



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction and Study of Cylinder Style from a Linguistic Perspective

Sh. Sangsefidi, A. Garavand*, A. Shohani

Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 28 December 2020

Reviewed: 30 January 2021

Revised: 12 February 2021

Accepted: 03 April 2021

KEYWORDS

Ghiasuddin Mohammad
Astarabadi, Ostovanameh,
Manuscript, Stylistics,
Linguistic level

*Corresponding Author

✉ a.garavand@ilam.ac.ir

☎ (+98 84) 3223485

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The Ostovanameh Book is an important manuscript of the ninth century. The purpose of this study is to introduce the features of four existing manuscripts of this work in Iran and Turkey and to study its style in terms of phonetics, lexicon and syntax.

METHODOLOGY: The present study is a theoretical study that has been done in a descriptive-analytical and documentary manner based on library sources.

FINDINGS: A study of the language of the Ostovanameh shows that this book was written to the unrhythmic prose of the ninth century and is a movement from compulsive prose to simplification that includes many features of the prose of the Mongol and Timurid eras. In addition, in some cases, the personal style of the author can be seen, in general, the prose style of this work can be considered as intermediate.

CONCLUSION: The Ostovanameh written by Ghiasuddin Mohammad Astarabadi is a work based on the beliefs of the first followers of the Hurufism sect, which in addition to expressing the religious beliefs of this sect, helps to explain some aspects of the social events of the Timurid era. What distinguishes the Ostovanameh from other Hurufism works is the reliable information that the author of this work provides about the elders of this sect and how their thoughts evolved. The final part of the Ostovanameh introduces the special rituals of the Hurufism to us.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.6149](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.6149)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

معرفی و بررسی سبکی استوانامه از منظر زبانی

شهلا سنگ‌سفیدی، علی گراوند*، علیرضا شوهانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: کتاب استوانامه، نسخه‌ای خطی و مهم از آثار حروفیان در قرن نهم است. هدف از این پژوهش، معرفی ویژگیهای چهار نسخه خطی موجود این اثر در ایران و ترکیه و بررسی سبکی آن از جنبه آوایی، واژگانی و نحوی است.

روش مطالعه: پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه توصیفی-تحلیلی و اسنادی بر اساس منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

یافته‌ها: بررسی زبان استوانامه نشان میدهد که این کتاب به نثر مرسل قرن نهم نوشته شده و حرکتی است از نثر متکلف بسوی ساده‌نویسی که بسیاری از ویژگیهای نثر دوران مغول و تیموری را دربردارد. علاوه بر آن در مواردی نیز سبک شخصی نویسنده چشم میخورد. در مجموعه میتوان سبک نثر این اثر را بینابین دانست.

نتیجه‌گیری: استوانامه، نوشته غیاث‌الدین محمد استرآبادی، اثری است براساس عقاید پیروان نخستین حروفیه که علاوه بر بیان باورهای مذهبی این فرقه، به تبیین گوشه‌هایی از حوادث اجتماعی عصر تیموری کمک میکند. آنچه استوانامه را از دیگر آثار حروفی متمایز میکند اطلاعات موثقی است که نگارنده این اثر درباره بزرگان این فرقه و چگونگی تحول اندیشه‌های آنان ارائه میکند. بخش پایانی استوانامه ما را با آداب عبادی خاص حروفیان آشنا میکند.

تاریخ دریافت: ۰۸ دی ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۱۱ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۴ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۴ فروردین ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

غیاث‌الدین محمد استرآبادی، استوانامه، نسخه خطی، سبک‌شناسی، سطح زبانی.

* نویسنده مسئول:

a. garavand@ilam.ac.ir

۳۲۲۳۴۸۵۵ (+۹۸ ۸۴)

مقدمه

در قرن نهم هجری نهضتی اجتماعی و مذهبی به رهبری «فضل الله نعیمی استرآبادی» علیه ظلم و ستم تیموریان در ایران شکل گرفت که دامنه آن به ایران محدود نماند و تا قرون اخیر پیروان او در ترکیه و بالکان میزیستند و عده زیادی از آنان به تبعیت از رهبرشان، که خود شاعری برجسته بود و آثار متعددی به نثر تألیف کرده بود، از طریق شعر و نثر در جهت ترویج افکار خود کوشیدند. یکی از شاگردان و پیروان فضل الله، «امیر غیاث الدین محمد استرآبادی» نویسنده اثر مهم «استوانامه» است که با گزارشهای موثق خود اطلاعات ارزشمندی درباره حوادث دوران آغاز حروفیه و نیز شخصیت‌های بزرگ این نهضت ارائه کرده است. این مقاله به معرفی این اثر اعتقادی میپردازد و بدنبال پاسخ به این پرسشهاست:

استوانامه دربرگیرنده چه مطالبی است؟

از استوانامه چند نسخه خطی باقی مانده و مشخصات شکلی هر کدام از این نسخه‌ها کدام است؟

ویژگیهای مشخص و بارز سبکی نسخه خطی «استوانامه» از جهت سبک زبانی چیست؟

هدف از این بررسی معرفی و توصیف مهمترین ویژگیهای سبکی این اثر مهم از منظر زبانی و نحوی برای استفاده محققان و پژوهندگان اندیشه‌های حروفیه و نیز بررسی ارزش آن در میان آثار عصر تیموری است.

سابقه پژوهش

در بررسی پیشینه تحقیقات پیرامون این اثر باید گفت با اینکه بسیاری از محققان و حروفیه‌پژوهان در آثار خود از مطالب استوانامه بهره برده‌اند، این اثر تاکنون تصحیح و چاپ نشده و ویژگیهای نسخ مورد بررسی قرار نگرفته است. علیرضا دولتشاهی در مقاله‌ای با عنوان «نسخه‌شناسی آثار حروفیان در کتابخانه ملی ملک» در حدود یک صفحه، بعضی از ویژگیهای ظاهری نسخه استوانامه موجود در کتابخانه ملی ملک، از جمله ویژگیهای جلد، کاغذ، خط و تاریخ نگارش را به اختصار بررسی کرده است (نسخه‌شناسی آثار حروفیان در کتابخانه ملی ملک، دولتشاهی: ص ۱۲۵). همین پژوهشگر بخش پایانی کتاب استوانامه را که مشتمل بر آداب عبادی این فرقه است با عنوان «آیین عبادی حروف» در مجله معارف منتشر کرده است (عبادت حروف، دولتشاهی: صص ۲۵ تا ۳۲). نتیجه جستجوها نشان میدهد غیر از دو مقاله فوق هیچ تحقیق یا کتاب دیگری مستقلاً به بررسی استوانامه نپرداخته است.

بحث و بررسی

معرفی غیاث الدین محمد استرآبادی

«غیاث الدین محمد استرآبادی، خواهرزاده علی الاعلی برترین خلیفه و داماد و نزدیکترین یار فضل الله نعیمی رهبر حروفیه است» (فهرست متون حروفیه، گولپینارلی: ص ۵۶). «غیاث الدین در استرآباد در سالهای ۷۹۰ تا ۷۹۹ به دنیا آمده است» (حروفیه، اسلوار: ص ۵۶). غیاث الدین در استوانامه خود را چنین معرفی میکند: «ابوالیقین غیاث الدین محمد بن حسین بن محمدحسین الاسترآبادی» (استوانامه: ص ۵۴ ب). غیاث الدین در ۱۳ ربیع الآخر ۸۳۰ در ارتباط با سوءقصدی که در هرات علیه شاهرخ میرزا پسر کوچک تیمور صورت گرفت، همراه با امیر نورالله، نوه دختری فضل الله نعیمی دستگیر شد (همان: ۳۷ ب). «وی پس از پنج سال حبس از قلعه

سلیمانیه که در آن زندانی بود گریخت و به جزیره هرمز که مأمنی برای شخصیت‌های تراز اول حروفیه بود، پناه برد؛ سپس به شیراز و بعد به بغداد رفت» (حروفیه، اسلوار: ص ۵۶).
از غیاث‌الدین محمد دو اثر در اعتقادات حروفیه بجا مانده: یکی همین استوانامه و دیگری نامه که نامه‌ای است که غیاث‌الدین خطاب به مولانا حسن از شاگردان فضل‌الله نوشته و موضوع آن شرح سوءقصد به جان شاهرخ‌میرزا و ایام زندانی شدن اوست.

معرفی استوانامه

استوانامه مهمترین اثر غیاث‌الدین محمد است که در حدود سال ۸۲۶ هـ ق نگاشته شده است. «نام این کتاب از کلمه استوا انتخاب شده که نزد حروفیان خطی راست، سفید و مقدس است که از فرق سر تا چانه ادامه مییابد و صورت و موهای سر را به دو بخش تقسیم میکند» (انسان از دیدگاه سید عمادالدین نسیمی، رضائی: ص ۱۴۱). خط استوا از میان همه موجودات عبور میکند. واژه استوا از آیه شریفه «الرحمن علی العرش استوی» گرفته شده و به معنی «استقرار یافتن» و «چیره شدن» است.^۱ «در نظر حروفیه، استوا چیزی است که در همه موجودات وجود دارد؛ ولی در انسان کامل متجلی شده است؛ بنابراین کسی که به خلافت معنوی میرسد، به مقام استوا دست مییابد؛ لذا خلق را حق میبیند و حق را درونمایه کل کائنات میداند» (حروفیه در تاریخ، آژند: ص ۶۰).

کتاب استوانامه دربرگیرنده بسیاری از آرا و عقاید حروفیان است که با تفسیر بسیاری از آیات و احادیث مطابق میل و نظر آنان همراه است. کتاب، دسته‌بندی موضوعی یا ابواب و فصل‌بندیهای مرسوم را ندارد و بدون دیباچه با تفسیر سوره مبارکه حمد و نقل قولهایی از بزرگان و اندیشمندان این مذهب در تفسیر این سوره آغاز میشود. مطالب استوانامه را به سه دسته عمده میتوان تقسیم کرد:

۱. شرح افکار و عقاید حروفیان که بخش اعظم کتاب را دربر میگیرد و شامل اندیشه‌های آنان درباره زندگی دنیوی، باور به بهشت و بحث درباره کیفیت بهشت و دوزخ، بیان ارزش انسان و شأن والای آدم به عنوان خلیفه الله، جایگاه اعداد و حروف در عالم خلقت، جایگاه روح انسان بعد از خلع بدن، تعبیر و تفسیر خواب و مطالبی از این قبیل است.

۲. بیان حوادث و وقایعی که یا مربوط به زندگی سیاسی خود نویسنده و یا اطلاعاتی است از زندگی رهبر این آیین که غیاث‌الدین خود در جریان بوده و یا از افراد موثق شنیده و نقل کرده است که همین نگاشته‌ها مورد استناد بسیاری از حروفیه‌پژوهان در زمینه شناخت زندگی و افکار و خاندان و فرزندان فضل‌الله نعیمی قرار گرفته است. ضمناً نام بسیاری از درویشان و پیروان اولیه این فرقه و سیر تحول عقاید حروفیان در مقطعی کوتاه پس از

^۱. از آنجاکه کتاب استوانامه تاکنون تصحیح و چاپ نشده است، از نسخ خطی آن که توسط نگارنده در دست تصحیح و چاپ است، استفاده میشود. از استوانامه، چهار نسخه خطی در دست است که ارجاعات این مقاله به استوانامه بر مبنای قدیمیترین آن یعنی نسخه کتابخانه ملک است. این نسخه ۱۸۳ برگ دارد که غیر از برگ اول که جزو مطالب اصلی نیست، سایر برگ‌ها شامل دو صفحه از کتاب هستند که صفحات زوج با «الف» و فرد با «ب» مشخص میشوند؛ مثلاً برگ اول شامل دو صفحه ۱ و ۲ است، لذا در ارجاع به آن نوشته میشود: (استوانامه: برگ ۱ «الف» یا «ب»).

مرگ فضل‌الله را نیز در همین بخش میتوان قرار داد که این بخش اخیر در شناخت اعتقادات حروفیان اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا درباره موضوعات ذکرشده مطالبی را بازگو میکند که در سایر آثار حروفی وجود ندارد. ۳. بخش آداب عبادی که در پایان استوانامه قرار دارد. این بخش در حکم رساله‌ای عملی است که آداب نماز، روزه و حج را همراه با اورداد و اذکار مخصوص مطابق سنت حروفیان شرح و آموزش میدهد.

معرفی نسخ خطی موجود استوانامه

پیش از پرداختن به معرفی نسخ خطی موجود استوانامه لازم است مطالبی درباره چگونگی اطلاع از این اثر و نسخه‌های آن نگاشته شود. نگارنده در جستجوی یافتن منابعی از حروفیان به کتابخانه ملی ملک مراجعه کرد. در آنجا با جناب علیرضا دولتشاهی پژوهشگر و حروفیه‌شناس آگاه آشنا شد که ایشان در زمینه شناسایی حروفیان و نسخه‌های خطی آنان در آن کتابخانه خدمات ارزشمندی ارائه کرده‌اند. با راهنمایی ایشان نگارنده توانست به سه نسخه استوانامه در کتابخانه ملک، کتابخانه دانشگاه تهران و کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دست یابد. پس از دسترسی به این نسخ برای یافتن نسخه‌های احتمالی دیگر از این کتاب به مراجع زیر مراجعه شد که در آن مراجع از استوانامه نامی برده نشده بود. بعضی از این آثار از این قرارند: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، اوراق عتیق، نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه و نیز الذریعه آقابزرگ تهرانی. در فهرست منزوی درباره کتاب استوانامه، اطلاعات زیر درج شده است:

«استوانامه از ابوالیقین میر غیاث‌الدین محمد فرزند حسین فرزند محمد خراسانی استرآبادی بدلیسی از دانشمندان حروفی سده نهم. کتابی است در تفسیر و کلام و علم حروف که در اصفهان در ۱۱ رمضان ۸۲۶ به انجام رسیده است. آغاز: حمدله. الضالین. این سوره را حضرت رسالت که از وجهی الهی و کشف عالم نامتناهی به ده اسم خوانده است.

۹۴۱۳. تهران، ادبیات، ۱۰۲، اد، نستعلیق ۱۰۲۴، آغاز برابر نمونه، ۱۴۷ ص ۱۷س [ف. ادبیات ۲۷: ۱]

۹۴۱۴. ملک ۴۰۰۱: نستعلیق سده ۱۱، آغاز برابر نمونه، ۹۲ گ ۱۵س [رویت]

۹۴۱۵. واتیکان ۳۴/۱: نوشته ۱۰۴۴ فیلم آن در دانشگاه ش ۱۰۵۹ هست.

تاریخ نگارش در فهرست فیلمها ۸۳۶ یاد شده است. [فیلمها ۱: ۵۶۲] (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، جلد ۲: ص ۱۰۲۶).

معرفی استوانامه نسخه کتابخانه ملی ملک

این اثر نسخه‌ای غیرعکسی از استوانامه در ایران است که از نظر تاریخ کتابت بر سایر نسخه‌ها متقدم است و برای تصحیح این کتاب به عنوان نسخه اساس انتخاب شده است. «در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک درباره این نسخه آمده است: ۴۰۰۱، نستعلیق قرن یازدهم، کاغذ فستقی، ۹۲ گ، ۱۵ س، جلد میشن قهوه‌ای، عناوین و نشانه‌ها شنگرف. این توضیح در مواردی نادرست است. در این نسخه فقط ترجمه آیات قرآن و نشانه‌ها به رنگ شنگرف است» (نسخه‌شناسی آثار حروفیان در کتابخانه ملی ملک، دولتشاهی: صص ۹۰-۸۳). استوانامه نسخه کتابخانه ملی ملک در ۹۲ برگ و ۱۸۳ صفحه و هر صفحه ۱۵ سطر نگاشته شده است. کاتب

نسخه مشخص نیست و با اینکه کتاب تاریخ کتابت ندارد، از تاریخی که به ابجد زیر آن نوشته شده میتوان تاریخ ۱۰۰۱ را دریافت. آن تاریخ چنین است:

فضل	الله
ابجد و اجزا و نقطه	ابجد و اجزا
نهد و بیست	هشتاد و یک

«از برهم نهادن «فضل» و «الله» (۸۱+۹۲۰) تاریخ ۱۰۰۱ بدست می‌آید؛ یعنی آغاز قرن یازدهم. این تاریخ روشنگر نکته مهمی است و آن وجود دست‌کم جمعیتی کوچک از حروفیان در ایران است؛ یعنی درست یک سال پیش از کشتار نقطویان به فرمان شاه عباس صفوی در ۱۰۰۲ ق» (همان: صص ۹۰-۸۳). البته وجود سه نسخه دیگر از استوانامه که با فاصله حدود چهل سال تا دو قرن پس از این نسخه نوشته شده‌اند، بیانگر ادامه حضور گروههایی از حروفیان در مناطق مختلف ایران و خارج از ایران تا قرون اخیر است.

آغاز استوانامه نسخه کتابخانه ملی ملک: الحمدلله رب العالمین الرحمن الرحیم... این سوره را حضرت رسالت از وحی الهی و کشف عالم لامتناهی... پایان نسخه: رو به طرف قلعه آن ملعون مارش پلید که درمقابل قلعه النجق امن من الآفات و البلیات است که آن را قلعه سنجریه میگویند بیندازند و از احرام بیرون آیند و م علی من التبع الهدی. خط نسخه نستعلیق است و متن کتاب ابهام یا افتادگی کلمه یا حروف ندارد. یکی از محاسن مهم این نسخه، حرکت‌گذاری واژه‌های استرآبادی بجهت تلفظ درست است که نسخه‌های دیگر این ویژگی را ندارند.

معرفی استوانامه نسخه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

دومین نسخه استوانامه از نظرتاریخ کتابت، نسخه موجود در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. خط این اثر نستعلیق است و ۷۴ برگ و ۱۴۷ صفحه دارد. این نسخه به شماره ۱۰۲ د- در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ثبت شده است. تاریخ کتابت در پایان نسخه سال ۱۰۲۴ ذکر شده است و نام کاتب ندارد. شروع کتاب: بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین... این سوره را حضرت رسالت که از وجهی الهی و کشف عالم نامتناهی... پایان کتاب: به طرف قلعه آن ملعون مارش پلید که درمقابل قلعه النجق آمده هذه الآفات و البلیات است که آن را قلعه سنجریه میگویند بیندازند و از احرام پروان آیند.

معرفی استوانامه نسخه واتیکان

سومین نسخه از نظر تاریخ کتابت، نسخه واتیکان است که اصل آن در کتابخانه واتیکان به شماره ۳۴ ثبت شده و تصویری از آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۲/۱۰۵۹ وجود دارد. آغاز نسخه: بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله... این سوره را رسالت از وحی الهی و کشف عالم نامتناهی به ده اسم خوانده است. پایان نسخه: رو به قلعه آن ملعون مارش پلید که درمقابل قلعه النجق امن من الآفات و البلیات است که آن را قلعه سنجریه میگویند بیندازند و از احرام بیرون آیند. وم علی من التبع الهدی تمت م. این نسخه ۱۳۰ برگ دارد. خط نسخه نستعلیق و فاقد نام کاتب است. تاریخ کتابت در پایان نسخه ۱۰۴۴ ذکر شده و از مهمترین وجوه اهمیت نسخه، معنی کردن واژه‌های موجود در استوانامه است.

معرفی استوانامه نسخه کتابخانه ملت (علی امیری) استانبول

چهارمین نسخه موجود استوانامه نسخه‌ای است که در ترکیه نگهداری می‌شود. در جستجوهای اولیه از نسخ استوانامه، این نسخه مغفول مانده بود اما پس از بررسی بعضی از آثار مرتبط با حروفیه، به مرجعی به نام علی امیری برخورد شد. از جمله نویسندگانی که بیش از دیگران از این نسخه نام برده فاتح اسلوار محقق ترک است که در کتاب «حروفیه از ابتدا تا کنون» به این نسخه بسیار استناد کرده است. برای دسترسی به این نسخه از طرق مختلف اقدامات متعددی صورت گرفت که در نهایت با کمک و همراهی «کاموران بوزکورت» دانش‌آموخته ترک دانشگاه تهران این دستیابی محقق شد. لازم به ذکر است که کتابخانه ملت در استانبول ترکیه مرکز نگهداری بسیاری از نسخ خطی فارسی از جمله آثار حروفیان است که شخصی فرهنگ‌دوست به نام «علی امیری» در دوران عثمانی آن را تأسیس و بسیاری از آثار را خریداری و به آن کتابخانه منتقل کرده است. نام این آثار و دست‌نوشته‌ها را محقق ترک «عبدالباقی گولپینارلی» در فهرست متون حروفیه ذکر کرده است. در فهرست متون حروفیه ذکر کرده است. در فهرست متون حروفیه از عبدالباقی گولپینارلی درباره این نسخه این اطلاعات درج شده است: «جلد کاغذی ضخیم، ۱۰۸ برگ، هر صفحه ۱۴ سطر، خط نستعلیق، مجدول سرخ، تاریخ کتابت این نسخه ۱۲۱۲ ذکر شده است» (فهرست متون حروفیه، گولپینارلی: ص ۴۹).

آغاز استوانامه نسخه کتابخانه ملت استانبول: الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم... این سوره را حضرت رسالت از وحی الهی ... پایان نسخه: آن را قلعه سنجریه میگویند بیندازند و از احرام بیرون آیند والسلام. در پایان کتاب علاوه بر تاریخ کتابت، نام کاتب را «درویش عیسی بن کمال الدین خواجه» و نیز مکان کتابت را «مدینه ارکری کسری محله تکیه» ذکر کرده است که این نام مربوط به منطقه‌ای در آلبانی است که بسیاری از حروفیان پس از سختگیریه‌های عثمانی‌ها به آنجا مهاجرت کردند و به گسترش اندیشه‌های خود پرداختند. یکی از وجوه اهمیت این نسخه، ذکر بعضی تواریخ مهم حروفیان مانند تاریخ مرگ بعضی از بزرگان و مدت عمرشان روی جلد کتاب است و نیز روی برگ اول کتاب، فرهنگ کوچکی از لغات استرآبادی استوانامه به همراه معنی وجود دارد. کاتب این نسخه، در پایان کتاب، آداب عبادی حروفی را در سه صفحه به ترکی نوشته است.

بررسی سبک‌شناسانه سطح زبانی استوانامه

سبک‌شناسی یکی از فنون ادبی است که در ایران سابقه چندانی ندارد. «اگرچه شاعران و منتقدان قدیمی گاهی اصطلاحاتی چون طرز و شیوه و غیره را بکار می‌بردند اما آنچه منظور آنان بوده با آنچه امروزه «سبک» مینامیم بسیار متفاوت است، زیرا منتقدان و ادیبان قدیم در شعر و نثر هرگز در پی یافتن ویژگیهای سبکی و جزئیات عواملی که باعث ایجاد سبک متفاوت با دیگر شاعران و نویسندگان میشد یا شیوه تازه‌ای می‌آفرید، نبوده‌اند» (سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب: ص ۲۳).

در تعریف سبک‌شناسان، سبک عبارت است از «شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین بوسیله شخص برای هدفی مشخص» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، فتوحی: ص ۳۴). زبان مهمترین عامل بیان اندیشه و تظاهر بیرونی آن است. هر شیوه نگارشی در جامعه زبانی خاص جلوه‌گر میشود و هر گونه تحول در زبان نیز بیانگر تحول اجتماعی یا تغییر نگرش گوینده و همعصران او در زمینه‌های مختلف است. در بررسی زبانی یک اثر منشور، نوع عدول یعنی هنجارگریزی و هنجارافزایی مورد توجه است. نوع اول یعنی هنجارگریزی، صرفاً انحرافهای ساده زبانی دارند و از جنبه ادبی تهی هستند و نوع دوم یعنی هنجارافزایی آثاری هستند که عدولهای هنری دارند و از نوع اول

مهم‌ترند. یکی از بهترین تعاریف دربارهٔ سبک این است که «سبک عبارت است از طرز بیان مافی‌الضمیر» (همان: ص ۳۸). خواننده و منتقد دقیق، این طرز بیان مافی‌الضمیر را از ویژگی‌ها و عوامل تکرارشوندهٔ اثر ادبی درمی‌یابد. «اصطلاح سبک در زبان‌شناسی و ادبیات بر شیوهٔ رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌شود» (همان: ص ۳۴). برای تجزیه و تحلیل سبک‌شناسانهٔ یک اثر معمولاً از روش‌های ویژه استفاده می‌شود. یکی از عملی‌ترین راه‌ها، بررسی اثر از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری است که در آن سطح زبانی بدلیل گستردگی و تنوع در سه ریز (زیر) سطح آوایی، لغوی و نحوی بررسی می‌گردد و با این روش میتوان به اجزای متشکلهٔ متن و ویژگی‌های سبکی اثر دست یافت. بدلیل گستردگی مطالب در سطح فکری و زبانی و حجم محدود این مقاله، بررسی سطح فکری استوانامه به نوشتاری دیگر موکول گردید و در اینجا صرفاً به تجزیه و تحلیل سطح زبانی استوانامه پرداخته می‌شود. همچنین جهت عدم گرایش نویسندهٔ استوانامه به جنبه‌های ادبی، از بررسی سطح ادبی آن نیز صرف‌نظر شد زیرا بررسی این اثر در سطح زبانی به نتایج مفیدتری منجر خواهد شد. با توجه به اینکه پژوهشگران بدلیل گستردگی سطح زبانی نسبت به سایر سطوح، آن را به سطوح کوچکتر آوایی، واژگانی و نحوی تقسیم کرده‌اند، در این مقاله نیز سبک زبانی استوانامه در سه سطح مذکور بررسی و نمونه‌های برجستهٔ زبانی آن ارائه می‌گردد.

ویژگی‌های سطح آوایی استوانامه

«در بررسی سطح آوایی یک اثر معمولاً به حذف حروف یا حرکات، استعمال کلمات با حروف زائد، قلب و ابدال حروف، مشدد کردن مخفف و بالعکس، تلفظ‌های کهن، املاهای کهن کلمات، اماله، تخفیف لغات می‌پردازند» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۳). متن استوانامه از جنبهٔ آوایی اغلب موارد فوق را دربرمیگیرد اما بدلیل اینکه برای بعضی از این موارد مانند اماله و تلفظ‌های کهن نمونه‌ای وجود ندارد، از ذکر آنها خودداری شده است. درمجموع در بررسی سطح آوایی استوانامه موارد زیر جالب توجه و قابل ذکر هستند:

۱. اشباع حرکات: یعنی تبدیل مصوت‌های کوتاه به بلند: «اشباع حرکات و مصوت‌های کوتاه، تحت تأثیر و به تقلید از زبان پهلوی از ویژگی‌های کهن زبان فارسی در دورهٔ سامانی است» (سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب: ص ۳۶). در نثر دوره‌های بعد از جمله نثر تیموری نیز هنوز این ویژگی دیده می‌شود. مثال از استوانامه: دشمن دشمن (استوانامه: ص ۷۲ الف) نویشته: نوشته (همان: ص ۶۷ الف) ایمن: ایمن (همان: ص ۳۹ ب) تفریقه: تفرقه (همان: ص ۵۴ ب).

۲. ابدال: بهار برای ازبین رفتن حروف و اصوات یک زبان و تبدیل آنها به یکدیگر در طول تاریخ دو دلیل قائل است: «اول عدم توجه و نگاهداری و تهیهٔ قوانین و آیینها و دستورهای علمی برای زبان و دیگر اینکه ابدال از نوامیس تطور هر زبان است» (سبک‌شناسی نثر، بهار، جلد ۱: ص ۲۰۲). با اینکه در دورهٔ تیموری نسبت به قبل، بسیاری از تلفظ‌ها تثبیت شده و زبان به سادگی گراییده، تلفظ‌های کهن خصوصاً در ابدال واج‌های قریب‌المخرج به یکدیگر هنوز دیده می‌شود. اما در استوانامه این ابدالها برخلاف گذشته که هم در اسم و هم در فعل بود، صرفاً در اسامی اتفاق می‌افتد.

الف) تبدیل (ب) به (پ): پرون: برون (استوانامه: ص ۲ الف) پستر: بستر: «جای ایشان جهنم است و بد پستریست» (همان: ص ۶۲ ب).

ب) تبدیل (ت) به (د): عنکبوت: عنکبوت (همان: ص ۶۷ ب) عفارید: عفاریت (همان: ص ۶۸ الف).

- ج) تبدیل (و) به (ب): بزغ: وزغ (همان: ۵۱ ب).
۳. کاربرد «نی» به سبک نثر قدیم به جای «نه»: خانلری واژه «نی» را بازمانده زبان فارسی باستان و از ریشه «naiy» میدانند که اشکال آن بصورت «نه» و «نی» در فارسی دری مانده است که «نی» بصورت قید نفی بکار میرود (تاریخ زبان فارسی ناتل خانلری، ج ۳: ص ۲۱۱). با اینکه نثر دوره تیموری از نثر دوران نخست فاصله گرفته، کاربرد این واژه‌های کهن نشان اتصالی هرچند ضعیف به گذشته زبان فارسی است: «اگر نی هیچ تدبیر دیگر نیافتیم غیر از ترک آن» (استوانامه: ص ۷۵ ب). «پس اگر کسی ره به عالم خاک و سر پدر نبرد فرزند آدم نیست و خلیفه زاده نی» (همان: ۴۹ ب).
۴. مشدد کردن مخفف: یکی از ویژگیهای آواها در سبکهای خراسانی و عراقی، کاربرد تشدید است. «بنظر میرسد که در گذشته، بیشتر کلمات دوحرفی مخفف را مشدد میکردند؛ خصوصاً در کلماتی که مختوم به (ر) میباشند» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۱۹۶). اما در استوانامه همه واژه‌های مخففی که مشدد شده‌اند، بیش از دو حرف دارند و دوهجایی هستند. اگرچه محققان در بررسی آثار پیشینیان، مبحث تشدید را اغلب در شعر بررسی نموده‌اند، وجود این نشانه در رسم الخط یک اثر میتواند بیانگر نوع تلفظ آن واژه نزد گروهی از مردم باشد. موارد زیر نمونه‌هایی از این ویژگی آوایی در استوانامه است؛ مثل: مژه (استوانامه: ص ۸ الف) غلط (همان: ۷۷ ب) خطها (همان: ۷۹ ب) دری: «و لسان اهل الجنت عربی و فارسی دری» (همان: ۴۹ الف).
۵. کاهش حروف: «در اشعار سبک خراسانی گاه به ضرورت وزن، حرف یا حرکتی را حذف میکرده‌اند» (سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب: ص ۱۹۷). این تخفیف علاوه بر شعر در نثر هم اتفاق میفتد که نمونه‌های آن در استوانامه نیز وجود دارد؛ مثل: گسخت/گسیخت (استوانامه: ص ۳۳ ب). استاد/ایستاد «آن خوک نر که استاد مثال پدر شما بود» (همان: ص ۷۶ ب).
۶. تلفظهای محلی: «تفاوتهای واجی که منجر به تفاوت زبانی در شکل آوایی سخن میشود، گاه ناشی از تفاوت آوایی واژه‌ها در لهجه‌های محلی است؛ اینگونه کاربردها در لایه آوایی سبک نمود آشکاری دارد و متن را با بافت‌های اجتماعی و تاریخی پیوند میزند» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، فتوحی: ص ۲۴۴). پاره‌ای تلفظها در استوانامه وجود دارد که آنها را چیزی جز تلفظ محلی نویسنده نمیتوان شمرد؛ مثل: البتده: البته (استوانامه: ص ۵ الف). پاشینه: پاشنه (همان: ۵۹ الف). بی: بی بی (همان: ۳۲ ب). سراخ: سوراخ (همان: ۴۰ ب).
۷. حذف (واو) معدوله: فتوحی، نویسه‌ها (صورت نوشتاری آواها) را نشان از تفاوتها و دگردیسیهای آوایی زبان فارسی در سرزمینها و دوره‌های مختلف میدانند و حذف «واو» معدوله در نوشتار را نیز مصداق همین دگردیسی بشمار می‌آورد (سبک‌شناسی نظریه‌ها، فتوحی: ص ۲۴۶). طبق نظر شمیسا در کلیات سبک‌شناسی، تلفظ واو معدوله در قرن هفتم در حال تغییر بود (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۰۰). این تغییر گاه در املاي واژه‌ها نیز نمایان میشود. در استوانامه یک مورد از این تغییر آوایی در واژه «خواب» وجود دارد: «تلفظ پهلوی این واژه «xvab» است» (فرهنگ فارسی به پهلوی، فره‌وشی: ص ۲۰۶) که گویا در این دوره واو معدوله از این کلمه از تلفظ ساقط شده است: «آن زمان که علاقه بدن گسخت صورت خاب هم متلاشی شد» (استوانامه: ص ۳۳ ب).
۸. صورتهای مختلف همزه: همچنانکه قبلاً گفته شد روند دگردیسی خط فارسی از قرن چهارم تاکنون نشان از تفاوتها و دگردیسیهای آوایی زبان فارسی در سرزمینها و دوره‌های مختلف دارد. «نویسه همزه در گذر زمان به "ی" تبدیل شده است» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، فتوحی: ص ۲۴۶). نویسه همزه در استوانامه شکلهای گوناگون دارد که بعضی به رسم الخط مربوط میشود و بعضی را نیز میتوان مربوط به نحوه تلفظ آواها دانست. این تنوع

اشکال ناشی از کاربرد شکل‌های آوایی مختلف همزه هم به روش متقدمان و هم به شیوه متأخران در این اثر است. اشکال مختلف آوایی همزه در استوانامه از این قرار است:

الف) حذف همزه پایانی کلمات: اشیاء: اشیا (استوانامه: ص ۷۳ ب).

ب) آوردن همزه به جای «ی» در پایان کلمه: برای ما: براء ما (همان: ۳۵ الف) بالای کرسی: بالا کرسی (همان: ۴۹ الف). «این شکل نوشتاری در آثار پیشین از جمله معارف بهاء ولد نیز بکار رفته است» (سبک‌شناسی نظریه-ها، فتوحی: ص ۲۴۶).

ج) استفاده از «ی» میانجی به جای همزه بین ترکیب‌های اضافی که امروزه هم به همین شیوه بکار می‌رود: «مظهري که درو تجلیات... باشد از اشیای دیگر عالیتر و اعظم خواهد بود» (استوانامه: ص ۴۳ الف).

د) در یک مورد نیز در آیه‌ای از قرآن به جای همزه «ی» میانجی آورده است: «فبأی آلاى ربکما تکذبان» (۴۳ الف).

از بررسی سطح آوایی استوانامه دریافته میشد که اگرچه هنوز ویژگی‌های زبان کهن چون اشباع، اموال، تشدید مخفف، کاهش و یا حذف حروف به شیوه متقدم در نثر کتاب وجود دارد، بسامد اندک این موارد و وجود ویژگی‌های زبانی جدید نشانگر تحول و گذار زبان بسوی سبک جدید است و نیز قرار داشتن نثر این کتاب در شمار نثر بینابین را نشان می‌دهد.

بررسی سطح واژگانی استوانامه

واژه‌ها و گزینش آنها نقش عمده‌ای در ایجاد سبک دارند. واژه‌ها در گذر زمان یا معنای خود را ازدست می‌دهند و معنای جدید می‌گیرند یا متروک میشوند و یا به همان معنی به زندگی خود ادامه می‌دهند. نوع کاربرد واژه‌ها در هر اثر نشانگر تحول زبان در شرایط جغرافیایی و تاریخی خاص است که نویسنده در آن می‌زیسته است. منتقدان در بررسی سطح واژگانی یک اثر معمولاً درصد لغات عربی، ترکی یا مغولی، کهن‌گرایی، سره‌نویسی و نوع گزینش واژه‌ها با توجه به محور جانشینی، مترادفات و... مورد توجه قرار می‌دهند. در این تحقیق، واژه‌های بکاررفته در استوانامه نیز با توجه به ویژگی‌های نثر دوره تیموری و سبک خاص نویسنده بررسی شده‌اند که موارد زیر محصول این بررسی است:

۱- اندک‌شمار بودن لغات پهلوی، ترکی و مغولی: شمیسا با استناد به مقاله‌ای از بهار به نام «نثر فارسی» می‌گوید که «بعد از رواج نثر غنی، لغات و اصطلاحات و ترکیبات فارسی که از زبان دری و پهلوی باستان باقی مانده بود یکی پس از دیگری در نثر به هزیمت رفت» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۹۶). در استوانامه لغات پهلوی و نزدیک به پهلوی و همچنین لغات قدیم و متروک فارسی بسیار اندک‌شمارند. اگرچه استوانامه در عهد تیموری نوشته شده است، کمتر نشانی از لغات و ترکیبات مغولی در نثر آن میتوان یافت. علت پرهیز از واژه‌های مغولی، شاید آزار دیدن و زندانی شدن مؤلف به دست تیموریان باشد. نفرت از تیموریان ویژگی عمومی آثار حروفیان است و دلیل این امر، شکنجه‌ها و کشتارهای گسترده آنان به دستور تیمور و فرزندان اوست. در استوانامه نمونه‌هایی از ابراز نفرت از تیموریان با کاربرد القابی همچون «سگ»، «مار» و «شیطان» وجود دارد: «از این حقیر سؤال کرد که آن لنگ ملعون (تیمور) علیه‌اللعنه را در کجا مشاهده کنی؟ گفت آن لنگ در سگ است و در صورت سگ او را مشاهده توان کرد» (استوانامه: ص ۳۸ الف). «از طرف مازندران بعد از استخلاص از حبس شیاطین (تیموریان) به محروسه باغ قوبه رسیدیم» (همان: ص ۳۷ ب).

۲. کاربرد فراوان واژه‌های عربی: «از نیمه اول قرن پنجم اسنادی در دست است که ادبا برای عربی مقامی والا قائل بودند و پذیرفته بودند که فضل و عربی‌دانی با هم مساوی است. از آن دوره به بعد بدلیل این تمایل انحرافی، کار به جایی رسید که در برخی از متون جز بیست درصد لغت فارسی نمی‌بینیم» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۱۵۹). به گفته صفا در منشآت عصر تیموری حتی در آثار ساده و خالی از تکلف، میزان کاربرد واژه‌ها و ترکیبهای تازی بیرون از شمار است (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۴: ص ۱۵۰).

واژه‌های بکاررفته در استوانامه از سه زبان فارسی، عربی و استرآبادی تشکیل شده‌اند. در بررسی ده درصد کل کتاب که حدود ۲۰۴۰ لغت را شامل میشود، مشخص شد که از این تعداد ۷۰۹ واژه (۳۴/۷۵٪) فارسی و ۱۳۲۵ واژه (۶۴/۹۵٪) عربی است که در بسیاری جملات، تنها روابط و افعال فارسی هستند و لغات فارسی تنها ۳۴ درصد کتاب را تشکیل میدهد که این تعداد واژه با ماهیت مذهبی کتاب ارتباط مستقیم دارد: «نبی از روی لغت انباکننده است و انبیاء الله جمیع به کلمه و کلام خلایق را انبا میکردند و همه کلمه بودند و مظهر کلمه بودند» (استوانامه: ص ۱۷ الف).

۳. کاربرد فراوان واژه‌های گرگانی: از ویژگیهای نثر استوانامه که تشخیص سبکی ایجاد میکند، فراوانی کلمات به گویش گرگانی قدیم و ساختن جملاتی آمیخته از واژه‌های فارسی و گرگانی قدیم و عربی است. این واژه‌ها اغلب هنگام بیان مبانی عقیدتی بکار میروند و نویسنده هنگام بیان خاطرات و وقایع تاریخی مربوط به جریان حروفیان، نثری روان با واژه‌های فارسی رایج در آن روزگار دارد. گفته میشود که کاربرد واژه‌های محلی گرگانی و استفاده نکردن از واژه‌های ترکی و مغولی، مربوط به گرایشهای ایرانی حروفیان است. «فضل الله نعیمی رهبر این فرقه که خود از سلسله دین‌آوران آریایی است، تعصب شدید ایرانی داشته و حتی کتاب بزرگ دینی خود *جاودان‌نامه* را به لهجه قدیم گرگانی نگاشته است» (حروفیه پیش‌درآمد نقطویه، ذکاوتی قراقرلو: ص ۶۲). گفته میشود «قداست دادن به سی‌ودو حرف فارسی و همچنین انتساب آن به حضرت آدم، آشکارکننده بخشی از تلاشهای ملی فضل‌الله نعیمی است» (کلیات اشعار، نعیمی: ص ۶۸). بعضی از این جملات فارسی هستند و فقط افعال گرگانی دارند: «اگر سائل واژه (گوید) که آسمانها از زر و نقره... یکی بجنید دیگری برپا باشد» (استوانامه: ص ۵ الف).

در استوانامه جملاتی با تعداد بیشتری از واژه‌های گرگانی هم وجود دارند: «چه معنی داره (دارد) که واژه (گوید) سخن ازن (همچنین) معلوم بی بو (بوده باشد) که ادمه (آدم را) در این عنقریب بیافرید» (همان: ۷۲ الف).

۴. ساختن ترکیبهای عربی فارسی: ساخت لغات مرکب از واژه‌های فارسی و عربی از نثر سبک خراسانی آغاز شده است. از آن دوره، ترکیب افعال فارسی با مصادر عربی وجود داشته است؛ اما در غیر افعال نمونه کمتری وجود دارد. بهار برای نمونه این لغات، واژه «بی بُدی» را ذکر کرده است که بعداً به ترکیب عربی «لابد» تبدیل شده است (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۱: ۴۳۸). اما استعمال ترکیبهای غلط از جمع بین فارسی و عربی در دوره تیموری و صفوی رواج یافت که شمیسا واژه «حسب‌الفرمان» از کتاب «عالم‌آرای عباسی» را نمونه‌ای از این اشتباهات ذکر میکند (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۳۵۸). مثل: «بعد از استخلاص... با حضرت سرورالشهدا امیر نورالله آمدیم» (۳۸ ب). «خلیفه الله فی‌الزمین» (۳۱ ب).

۵. استفاده از القاب و عناوین مفصل به شیوه نویسندگان پیشین: «چیز تازه‌ای که در این عصر می‌بینیم القاب و عناوینی است که مؤلفین اخیر دوره تیموری درباره ممدوح معمول میدارند که گاهی دو سه صفحه را باید عبور کرد تا بزحمت نام کسی را که مقصود نویسنده است، بدست آورد» (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۱: ص ۲۰۸).

اگرچه بهار، این ویژگی را امری تازه میدانند، نمونه‌های اینگونه کاربردها در متون گذشته نیز امری متداول و مرسوم بوده است. مثال از راحۃ الصدور راوندی: «مولانا صدر امام کبیر مقبل زین‌الدین مجدالاسلام سیدالائمہ و العلماء استاذالملوک و السلاطین محمودبن محمد علی الراوندی» (راحۃ الصدور، راوندی: ص ۳۹).

در استوانامه این القاب و عناوین نسبتاً طولانی فقط در معرفی درویشان و شخصیت‌های مذهبی حروفیه بکار میرود مثل: «مولانای معظم و مجتبیای مکرم، قدوت الافاضل مولانا مجد المله والدین رضوان‌الله علیه» (استوانامه: ص ۲۵ ب). «حضرت خلیفه الله وصی الله و هادی راه یقین، محو‌کننده تقلیدات اولین و آخرین، کشاف اسرار جاویدان‌نامه و عرش‌نامه» (همان: ۲۵ ب).

۶. کاربرد واژه در معانی خاص: «استعمال لغات در معانی خاص یکی از ویژگیهای سبکهای خراسانی و عراقی است» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۱۳). این امر میتواند نشانه تحول معنایی لغات در طول زمان باشد. در استوانامه نیز این ویژگی زبانی وجود دارد. از جمله:

الف) کاربرد اسم در معانی خاص:

- «تحقیق» به جای محقق و حقیقت: «به نزد اهل یقین تحقیق است و در او هیچ شک نیست» (استوانامه: ص ۳۸ ب).

- «تکیه» به جای استراحت: «نماز شام بر بام میرفتی که تکیه کنی» (همان: ۷۷ الف).

- «خسته» به معنی بیمار: «مادر پیر خسته شد و وفات یافت» (همان: ۷۴ ب).

- «مسکینی» به معنی تواضع: «ایشان مسکینی به جای آوردند و بیرون رفتند» (همان: ۷۵ الف).

- «مانده» به جای ماندگار: «این مسئله را از این فقیر در عرصه کاینات مانده دانند» (همان: ۸۷ الف).

- «عقب» به جای دنبال: «مدتی در قید حیات بود و در عقب رفت» (همان: ۷۵ ب).

ب) کاربرد فعل در معانی خاص: «از ویژگیهای نثر فنی استعمال افعال در معانی مجازی برای پرهیز از تکرار است» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۹۳). با اینکه استوانامه از بسیاری از ویژگیهای نثر فنی بی بهره است، گاه به شیوه گذشته افعال را در معانی متفاوت بکار برده است. مثل:

- «روی» به جای ببری: «چون چهارده سوره را به جهت الله که چهارده کلمه است بیرون روی مسمالله نود و نه بماند» (استوانامه: ص ۱۴ الف).

- «وصف دادن» به جای وصف کردن: «ما در خانه‌هاییم که وصف آن را نمیتوان داد» (همان: ۳۳ الف).

- «ترک گفتن» به جای ترک کردن: «اگر نی هیچ تدبیر دیگر نیافتیم غیر از ترک آن وجه گفتن» (همان: ۷۵ الف).

- «میتوان بود» به معنی شاید و ممکن است: «میتواند بود که به وجهی آن باشد که محکمت الهی چهارده حرفی است» (همان: ۱۳ الف).

- «رفت» به جای شد: «چندانی که آن خوک ماده دور رفت آن خوک نر بر جای خود چرخ زد» (همان: ۷۵ ب). ج) کاربرد حروف به جای یکدیگر: بعضی حروف اضافه در سبک خراسانی و عراقی در معانی غیر از معنی اصلی خود بکار میرفتند که شمیسا نمونه‌هایی از آنها را ذکر کرده است (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۲۱). این کاربردها در نثر دوره تیموری ممکن است نتیجه تأثیر زبان عامیانه بر نثر رسمی آن روزگار باشد. این حروف در استوانامه شامل حروف اضافه و حرف «را» هستند و شامل موارد زیر است:

- «در» به جای به: «مدتی در قید حیات بود و در عقب رفت» (همان: ۷۵ ب).

- «از» به جای به: «بر جای خود چرخ زد و از دنبال خوک ماده روان شد» (همان: ۷۵ ب). از به جای کسرۀ اضافه این کاربرد در متون گذشته سابقه دارد که نمونه ای از آن از مصباح/الهدایه کاشانی آورده میشود: «و جواب از اوّل (جواب اوّل) آن است که رؤیت، دیگر است و ادراک، دیگر» (مصباح الهدایه، کاشانی: باب اوّل). در استوانامه هم نمونه‌ای از این کاربرد بچشم میخورد: «این فقیر حقیر گناهکار، شرمسار و امیدوار از رحمت بی دریغ فضل ستار» (همان: ۳۷ الف).

- «را» به جای برای: «و جنت را هشت در است» (همان: ۴۰ ب). را به جای به: «بعد از آن آدم را امر سجده کردن شد که ملایکه بکنند» (همان: ۳۷ ب). را به جای کسرۀ اضافه: «ایشان را قرارگاه در صورت سبع و سگ و عقرب و..... مشاهده باید کرد» (همان: ۸۲ الف).

۸. کاربرد رمز و نشانه: یکی از مهمترین ویژگیهای آثار حروفیان، استفاده از واژه‌ها بصورت رمزی است. این رمزنویسی اغلب در آثار نثر اتفاق میفتد اما اشعار و ابیات حروفیان نیز از این رمزها دارد. فهم نوشته‌های حروفیان بدون شناخت این رمزها آسان نیست. «زاینرو خود ایشان جزوه‌ای به نام «مفتاح حروف جاویدان» یا «مفتاح الحیات» در این باره نوشته‌اند» (واژه‌نامه گرجانی، کیا: ص ۳۹).

کتاب استوانامه دربردارنده حدود نود مورد از رموز مورد استفاده نویسنده است که با مقابله متن نسخه‌های مختلف این کتاب میتوان به معنای آنها پی برد. این رموز، کوتاه‌شده برخی از واژه‌ها هستند؛ بطوریکه گاهی از یک واژه فقط یک حرف آن ذکر میشود مثل: «آنچه (چهارده) ک (کلمه) و ح (حرف) را بی تکرار پنج ن (نقطه) باید چنانکه (ح) حروف و نقاط نوزده باشند». (استوانامه: ص ۲ ب) «صو (صورت) وه (وجه) که منعقد میشود هم نصف خل (خلقت) و (آدم) است» (همان: ص ۲ ب). «چون چه (چهارده) حرف به جهت چه (چهارده) ح (حرف) اه (الله) بیرون روی هجده بماند» (همان: ۲۲ ب).

از میان نسخه‌های خطی استوانامه در ایران کاتبان نسخه موجود در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و نسخه واتیکان بیشتر از نسخه کتابخانه ملی ملک و نسخه کتابخانه ملت استانبول از رمز استفاده کرده‌اند. کاتبان این نسخه‌ها برای مشخص کردن این واژه‌ها از سایر کلمات، روی آنها علامتی شبیه به مد با رنگ سرخ گذاشته‌اند. بحث رمزها در آثار حروفیه و بخصوص استوانامه مفصل است و در مقاله‌ای دیگر به این موضوع در استوانامه پرداخته خواهد شد.

بررسی سطح نحوی استوانامه

باید بدانیم که «موضوع سبک‌شناسی نحوی، چیدمان واژه و نظم دستوری جمله است» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، فتوحی: ص ۲۲۶). وظیفه بررسی سطح نحوی «بررسی جمله از نظر محور همنشینی و دقت در ساختهای غیرمتعارف، کوتاه یا بلند بودن جملات، کاربردهای کهن، دستوری از قبیل آوردن انواع یاء (تمنی، بیان خواب....) مفعول و علامت آن، افعال ماضی و مضارع، افعال پیشوندی و مرکب، کاربردهای خاص ضمائر، صرف افعال کهن و... است» (کلیات سبک‌شناسی، شمیس: ص ۱۵۵).

کتاب استوانامه از دیدگاه نحوی در شمار آثار دوره تیموری نزدیک است که به گفته صفا «عدم توجه به قاعده‌های دستوری زبان در نثر و رواج بسیاری از مسامحات لغوی و دستوری از ویژگیهای مهم [نثر] این دوره است که اینگونه مسامحات هنوز هم در زبان فارسی رایج است» (تاریخ ادبیات، صفا: ص ۴۶۷). مهم‌ترین ویژگیهای نحوی استوانامه که در تعیین سبک نثر آن اهمیت دارند، عبارتند از:

۱. سادگی و صمیمیت نثر: نثر استوانامه یکدست نیست و از این جهت میتوان کتاب را از حیث کوتاه و بلندی جملات و سادگی و پیچیدگی نثر به دو دسته تقسیم کرد:

الف) نثر ساده با جملات کوتاه: هنگامی که نویسنده به بیان واقعه یا خاطره‌ای از حوادث روزگار خود میپردازد، نثری ساده و عاری از هرگونه پیچیدگی و ابهام دارد. جملات کوتاه‌اند و واژه‌ها و فعلها اغلب تکرار میشوند: «جناب امیر سلام الله در پهلوی این فقیر نشسته بر زانوی این فقیر تکیه کرده نشسته بودی. از ایشان این فقیر پر گناه پرسیدی که شما بگوئید که احوال چون است و شما کجایید و راحت چون است؟» (استوانامه: ص ۳۲ ب). «بیا تا برویم و تفرج کنی که چون جایگاه است و تو نیز فردا آنجا خواهی آمدن. برمیخاستیم. رضوان نام ایشان را خدمتکاری بود. او را نیز دیدمی. از او هم پرسیدمی» (همان: ۳۴ الف) نویسنده در مواردی نیز، بیانی متواضعانه دارد، به گونه‌ای که صمیمیت او در بیان اندیشه و نظرش خواننده را جذب میکند:

«با آن عزیز در این سه مسئله مقالات بسیار شد و او سکوت کرد ندانستیم که باطنی کرد یا جواب الاحق السکوت گفت. آن به تحقیق معلوم نشد» (همان: ۳۷ ب). «توقع از جناب درویشان و سالکان راه یقین... آنکه اگر به نظر خدایینی تامل نموده به دعایی دستگیر این فقیر حقیر افتاده ضعیف گردند و همت بیدریغ و باطن پرانوار را گماشته و از روی خاک نیازمندی بردارند» (همان: ۳۸ ب).

ب) نثر دیرپاب با جملات متصل و طولانیتر: در مواردی که نویسنده به تأویل آیات و احادیث میپردازد، در اثر استفاده از شواهد قرآنی و احادیث و لزوم تکرار آنها جمله‌ها نسبتاً طولانیتر میشود و کاربرد غیرضروری حروف ربط نیز درک جملات را دشوارتر و نیاز به دقت در فهم آنها را بیشتر میکند. در چنین مواردی، علیرغم عاری بودن نثر از واژه‌های نامأنوس و عدم کاربرد صنایع ادبی، بدلیل ورود نویسنده به جزئیات مبانی فکری خصوصاً هنگام بیان ویژگیهای اعداد و حروف، فهم مطالب کتاب دیرپاب و گاه ملال‌آور میشود:

«به دلیل شبه لهم البته میباید که متشابهات جسم باشد بدان وجه بر جسم ح (حضرت) عیسی ح ه (جلّت کلمته) که «کلمة القاها الی مریم و روح منه» که روح است پس بدین اعتبار و دلیل میباید که محکمت روح باشد و متشابهات جسم» (همان: ۲۳ الف). «در بسم الله سو (سی و دو) نقطه است با اجزا. گاهی که الف رحمان به کتابت عربی مکتوب نمیشود به اعتبار ملفوظ است در حساب نیاید. وقتی که در حساب آید سی و سه نقطه باشد در مقابل سو (سی و دو) و یک حرف لام الف که به اعتباری غیر مرکب است که حرف واحد است» (همان: ۲۰ ب). «ونه علم است با حرف و نقطه اجزاء همچو اجزاء کاف و نون و نه تشهد چنانکه شهادت شهید حقیقی بر یگانگی خود در همه اشیا به کلمه کاف و نون است» (همان: ۱۳ الف).

۲. تکرار اجزا و ارکان جمله: «از جمله ویژگیهای نثر مرسل دوره‌های نخستین نثر فارسی تکرار اجزا و ارکان جملات متعاطف است که آن را عیب نمیشمردند» (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۲: ص ۵۵). در استوانامه هم بجهت گرایش به ساده‌نویسی و نثر مرسل این تکرار در اجزا و ارکان مختلف جمله بوفور دیده میشود:

الف) تکرار فعل به شیوه دوره نخستین نثر: «ودیگر تا کلمه و کلام و ذات پاک خدا باشد و این السنه باشد و در آن تسبیح باشد و بلاء کرسی باشد فانه من نفس الرحمن باشد» (استوانامه: ص ۴۸ الف). «همچنان که دندان در آخر سو (سی و دو) میشود و خط وجه در آخر به استوا بت (بیست و هشت) میشود و افلاک و بروج... سو (سی و دو) میشود» (همان: ۱۸ ب).

ب) تکرار اسم: «در هفت بهشت، جوی عسل و جوی شیر و جوی آب و جوی شراب در بهشت جاودانی» (همان):

۴۷ الف). در استوانامه واژه «به وجهی» نیز در مواردی که می‌خواهد تأویل کند یا درباره موضوعی اظهارنظر نماید بسامد بالایی دارد؛ همچنین کلمه «و دیگر» در ابتدای بسیاری از جملات تکرار می‌شود. مثل: «و دیگر آنکه چون کلمه که تمامی او عبارت از سو کلمه است در عالم مفردات نماند ظاهر شد به ظهور آمده» (همان: ۱۸ ب). «میتواند بود به وجهی که الله آن چهارده کلمه محکّمات باشد که ذات و اصل حروف است» (همان: ۳ ب).

ج) تکرار صفت: «پدر پیر و مادر پیر و...» (همان: ۳۳ الف).

د) تکرار حروف: «و صوفیان مکدر را و زاهدان فاسق را و متقی‌نامان بی پرهیز را و پرهیز شکسته را و در بحر عصیان غرقه گشته را» (همان: ۲۶ الف).

ه) تکرار عبارت: عبارت «این فقیر حقیر را وجهی رو نموده است که...» در آغاز تأویل موردنظر خودش از آیه و حدیث مورد بحث نیز فراوان به چشم می‌خورد که ذکر آنها به تطویل مینجامد.

و) تکرار جمله و آوردن جمله معترضه در میان جملات؛ مثل: «چون از شجره - که مخالفت خوردن نخوردن است - چشید که - مخالفت خوردن نخوردن است - از مقام اکل و شرب بیرون افتاد» (همان: ۵۴ الف). «و خاک را اسفل السافلین و احقر اشیا - از محقری که داشتند - دانستند» (همان: ۳۰ ب).

۳. حذف اجزا و ارکان جمله: حذف بدون قرینه افعال که در سبک قدیم بندرت دیده می‌شد، در این عصر (تیموری) بشدت یافت می‌شود (سبک‌شناسی: بهار، ج ۳: ص ۲۰۹). این حذف در استوانامه هم در موارد مختلف اتفاق می‌فتد که حذف فعل و اسم از موارد مهم آن است؛

الف) حذف فعل بدون قرینه که سبب تطویل جملات و پیچیدگی در مفهوم کلام می‌شود: «و بهشتی در مظاهر خدا شناسان و از آنجا در مظاهری که مقبول طبع و الحانهای متفق المعنی باشد از حیوان و نبات و جمادات و افلاک و انجم از سر اختیار و ارادت» (استوانامه: ص ۵۵ ب).

ب) حذف اسم به قرینه لفظی: «بعضی ترک نماز کرد و [ترک] وضو و غسل و جنابت کرد» (همان: ۳۵ ب).

۴. ترتیب اجزای جمله: «در نثر فارسی تا قرن هفتم نسبت به دوره‌های بعد ترتیب اجزای جمله آزادی بیشتری دارد. تنوع ترتیب این اجزا در دوره اول، نتیجه عوامل مختلف مانند سادگی و پیروی از شیوه طبیعی گفتار و تأثیر ساختمان عربی در ترجمه‌های قرآنی و مانند آنهاست و در دوران متأخر نوعی یکنواختی و تحجر در ترتیب اجزای جمله روی میدهد» (تاریخ زبان فارسی، خانلری، ج ۳: ص ۴۴۷). با اینکه استوانامه در قرن نهم نگاشته شده و به زبان امروز نزدیک است، از نظر ترتیب اجزای جمله اشتراکاتی نیز با نثر دوره نخستین دارد و نشان میدهد که هنوز سبک قدیم و ویژگیهای آن در این کتاب کاملاً متروک نشده و زبان کاملاً تغییر نکرده و در حال بینابین است. مهمترین شباهتهای جمله‌بندی کتاب به نثر متقدم تقدیم فعل بر اجزای مختلف جمله است:

الف) تقدیم فعل بر نهاد: «درباره خواب، النوم اخ الموت فرموده‌اند حضرت رسالت» (استوانامه: ص ۳۸ الف).

ب) تقدیم فعل بر مفعول: «اثبات فرزندی کرده‌ام بدلیل آوردن جبرائیل که هیعیص را» (همان: ۱۲ الف). «شخصی در خواب میبید ماری چند و دد و دامی چند و آتش و عذابی چند» (همان: ۳۱ ب).

ج) تقدیم فعل بر قید: «اینچنین فیض لازم است که به روح او واصل شود لاینقطع ابد الابدین» (همان: ۴۷ الف). «آن دو جوان رفتند و آن موضع را کردند مقدار نیم گزی» (همان: ۷۵ ب).

د) تقدیم فعل بر متمم: «هر که به معرفت و کمال آدم... این بلد امین برسد ایمن باشد از شر جهل شیطان و عذاب جاودانی» (همان: ۳۹ ب). «و تا آن کلام مظهر فیض رحمت باشد شریک باشد در آنجا» (همان: ۵۱ الف).

۵. کمبود افعال پیشوندی و گرایش به فعل مرکب: عصر تیموری زمان گرایش به افعال مرکب است. «از اوایل قرن هشتم که مقدمات فساد نثر پیدا شد، فعلها بدون پیشوندهای قدیم که هر یک حاکی از معنایی خاص بوده و حالتی مخصوص به فعل میداده است، بکار برده میشود» (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۳: ص ۱۷۹). «از همین دوران استعمال فعل مرکب خاصه با اسم و صفت عربی جایگزین افعال پیشوندی شد» (تاریخ زبان فارسی، خالری، ج ۲: ص ۱۸۶). در استوانه افعال پیشوندی بندرت بکار میروند و منحصر به افعالی با پیشوند «در» میباشد؛ مثل: «در آن خانه که حضرت امیر سلام الله فرموده بود در میرفتم» (استوانه: ص ۳۲ الف). همچنین در استوانه افعال مرکب هم به سیاق نثر دوره تیموری اما با بسامد کمتر بکار رفته است.

در یک آمارگیری مختصر تمام افعال ۱۰ برگ (۲۰ صفحه) از استوانه استخراج شد (۳۹۲ فعل) که از این افعال ۹ فعل پیشوندی (۲/۳۰٪) بود که شامل این افعال است: «دریابند، برافتد، درمی‌آید، به در میرفت، برمی‌آید، باز نموده خواهد شد، بردارند، بر نمی‌آید و برآمد» و ۱۷ فعل مرکب (۴/۳۴٪) که شامل این افعال است: «حاصل میکند، میل میکند، به جای آورد، بیان فرمایند، حاصل میکند، درنگ کردند، اتفاق دارند، مطلع گردند، درست کرده، عرضه نمایند، تأمل نموده، مشاهده فرمایند، قرار گرفت، قرار گیرید، قرار گرفته، ادراک کند و تصور نکند». جهت مقایسه کاربرد افعال مرکب و پیشوندی، ده صفحه آغاز اخلاق ناصری، نفقه‌المصدور و گلستان بررسی شد و نتایج به شرح زیر بود:

- نفقه‌المصدور: ۷۲ فعل و شامل ۱۱ فعل پیشوندی (۱۵/۲۸٪)؛ ۵ فعل مرکب (۶/۹۴٪)؛

- اخلاق ناصری: ۲۳۰ فعل و شامل ۴ فعل پیشوندی (۱/۷۴٪)؛ ۱۶ فعل مرکب (۶/۹۶٪)؛

- گلستان سعدی: ۲۶۹ فعل و شامل ۲۰ فعل پیشوندی (۷/۴۳٪)؛ ۲۸ فعل مرکب (۱۰/۴۱٪)؛

که نشان میدهد کاربرد افعال مرکب در استوانه برخلاف انتظار بسیار اندک است: «در حالت استقبال میان آفتاب و ماه در حالت استقبال دست میدهد» (همان: ۲۶ الف). «و روح هر که بعد از خلع در بدن به اعمال صالحه درو دخل کرد و قرار گرفت از شرّ عذاب جحیم ایمن شد» (همان: ۴۰ الف).

۶. کاربردهای مختلف فعل: عمده‌ترین کاربردهای فعل در استوانه عبارتند از:

الف) کاربرد فعل «فرمودن» بجهت احترام به جای افعال دیگر؛ «فعل فرمودن در مقام احترام در آثار بعضی نویسندگان عصر تیموری از جمله صاین الدین ترکه استعمال شده است که این اصطلاح به عینه در کتب پهلوی هم موجود است» (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۳: ص ۲۴۰). بعنوان مثال: «این وجه از دست ما بیرون رفته بود شما پیدا فرمودید» (استوانه: ص ۷۴ الف). «و تمسک به قال الله و قال رسول الله نفرمایید» (همان: ۷۴ الف).

ب) جمع بستن فعل فرمودن بجهت احترام: «حضرت خلیفه الله میفرمایند که کهف سوراخی را گویند در لغت عرب که در کوه باشد» (همان: ۷ ب).

ج) کاربرد فعل ماضی در معنای آینده: بهار معتقد است این شیوه از کاربرد فعل برای موکّد گرداندن آن است و محبوب شروع استعمال اینگونه افعال را مربوط به قرن پنجم میداند (سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب: ص ۲۴۳). «اگر از حضرت شما تدبیر آن وجه شد نیکو و اگر نی هیچ تدبیر دیگر نیافتیم غیر از ترک آن وجه گفتن» (استوانه: ص ۳۹ ب).

د) فعل ماضی ساده به جای مضارع التزامی: «او میخواهد مثلاً باطل را حق گفت و یا حق را باطل گفت» (همان: ۸۱ الف).

ه) کاربرد فعل با وجه مصدری: «میل طبیعت از زلیخا، یوسف بگردانید که در مقام نبوت خواست بودن» (همان: ۱۷ الف). «من تو را خواهم در هم شکستن» (همان: ۷۳ الف).

و) استفاده فراوان و مکرر از وجه وصفی: «از تازگیهای نثر نویسندگان این دوره (قرن نهم) این است که صیغه‌های ماضی نقلی یا ماضی بعید را با حذف ضمایر و یا فعل معین به وجه وصفی می‌آورند» (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۳: ص ۲۳۷). این شیوه زمینه فساد نثر در دوره‌های اینگونه افعال در استوانامه به فراوانی وجود دارد؛ مثل: «تابع متبوع شیطان شده و از سر کمالات انسانی و معرفت رحمانی بی بهره مانده و خود را اهل لقا دانسته» (همان: ۳۱ الف). «بعضی ترک نماز کرده و وضو و غسل جنابت کرده و عالم را بهشت ادراک کرده» (همان: ۳۵ ب).

ز) کاربرد فعل با «یاء» بیان خواب: «آن حضرت فرمودندی ای امیر... آنچنان که شنیده بودم آن چنان است» (همان: ۲۷ ب). «هرچند نگاه کردمی خانه‌ها و کوشک‌ها آراسته و پیراسته بودی» (همان: ۲۷ ب).

۷. وفور جملات عربی مرکب: به گفته بهار «قرن نهم دوران رواج این گونه جملات در نثر است» (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۳: ص ۲۴۲). نمونه‌های این کاربرد در استوانامه هم زیاد است. از جمله: «غیره علی هذا» (۴۱ الف) «کما هو حقّه» (همان: ۲۱ ب) «قس علی هذا» (همان: ۴۰ الف) «العاقل یکفیه الاشارة» (۴۲ الف).

۸. استفاده از آیات یا احادیث و عبارات عربی در جایگاه ارکان جملات فارسی: سابقه قرار گرفتن آیات یا احادیث در جایگاه ارکان دستوری فارسی به دوران نثر فنی بازمی‌گردد. خطیبی در کتاب فن نثر در ادب فارسی، ذیل مباحث نثر قرن ششم و هفتم، چهار اسلوب متمایز را از جهت کیفیت ارتباط لفظی آیات و احادیث به رشته نثر مطرح میکند که یکی از این چهار اسلوب، پیوستن آیه یا حدیث به عبارت فارسی به طریق ترکیب اضافی است (فن نثر در ادب فارسی، خطیبی: ص ۲۰۲). در استوانامه علاوه بر مورد فوق، آیات و احادیث به اشکال دیگر نیز به نثر فارسی متصل میشوند که از این قرار است:

الف) نقش وصفی: «و در کعبه» «و من دخل کان آمناً» رفته باشند» (استوانامه: ص ۴۹ ب).
 ب) نقش تمیز: «و معلم ملائکه کرد و «انی جاعل فی الارض خلیفه» خواند» (همان: ۴۹ ب).
 ج) نقش متممی: «و این در «ما فرطنا فی الكتاب» و الواح موسی معلوم کرد» (همان: ۴۹ الف).
 ۹. آوردن ضمیر «او» به جای «آن»: بهار معتقد است «اینکه میگویند که «او» ضمیر متعلق به ذوی العقول و «آن» متعلق به غیر ذوی العقول است، اشتباه است و دیوان شاعران سبک خراسانی پر است از ضمیر «او» که به جمادات و نباتات و هر چیزی باز گشته است» (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۱: ص ۳۷۸). استوانامه نیز به شیوه زبان گذشته، نمونه‌هایی از این کاربرد را دارد؛ «مکان بت پرست مکانی باشد که او مظهر خط استوا نباشد» (استوانامه: ص ۵۸ ب). «چهارده کلمات مقطعات است که بت (۲۸) و سو (۳۲) کلمه در ضمن اوست» (همان: ۴۹ الف).

۱۰. عطف متوالی جملات بدون ضرورت: گفتیم که علیرغم فنی نبودن نثر استوانامه، پاره‌ای ویژگیهای این سبک در آن به چشم می‌خورد که عطف پی‌درپی و اغلب بدون ضرورت جملات از این قبیل است. نویسنده بیشتر جملات، حتی جملات ساده مستقل را هم با واو ربط شروع میکند و کمتر جمله‌ای بطور مستقل آغاز میشود؛ «یعنی هر که به حسب معرفت و شناخت در او دخل کرد و در هر دو جهان ایمن شده» (همان: ۳۹ ب).

۱۱. کاربرد صفت: نکات اساسی در کاربرد صفت در استوانامه عبارتند از:

الف) عدم مطابقت موصوف و صفت و عدد و معدود از نظر افراد و جمع؛ اگرچه به گفته بهار، مطابقت صفت و موصوف و عدد و معدود در جمع که در زبان پهلوی و دری وجود داشته از قرن هشتم به بعد بکلی ترک میشود

(سبک‌شناسی نثر، بهار، ج ۳: ص ۱۸۰)؛ اما هنوز نمونه‌هایی از آن در استوانامه وجود دارد؛ مثل: «هفت کواکب» (استوانامه: ص ۴۷ الف) «ما دو جوان برادرانیم» (همان: ۷۴ ب) «سیصد و شصت درجات» (همان: ۴۷ الف) ب) ساخت مصدر با یاء از صفات پیشونددار: «این نوع یاء «یاء ترادف صفات» نامیده میشود که کاربرد آن تشخیص سبکی ایجاد میکند (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، ویرایش دوم: ص ۳۰۶)؛ مثال از استوانامه: «کسانی را که بدزهره‌ای و بی‌جگری پیشه شده باشد» (استوانامه: ص ۸۳ الف).

ج) تتابع صفات: این ویژگی در شمار مختصات نثر دوره صفوی آمده است و شمیسا نمونه‌هایی از این تتابع صفات و اضافات را از کتب این دوره نقل کرده است (ر.ک: سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۲۵۷). صفات بکاررفته در متن استوانامه اغلب واژه‌های ساده عربی یا فارسی هستند که در بسیاری موارد در جمله‌هایی با تتابع صفات و گاه همراه با سجع بکار می‌روند و در واقع پیش‌درآمد این ویژگی در سبک دوره هندی است؛ مثل: «به دعایی دستگیر این فقیر حقیر افتاده ضعیف گردند» (استوانامه: ص ۳۷ الف). «زهی بهشت نعیم مقیم خالدين فيها» (همان: ۵۷ الف). «در خیمه‌های خطوط مشکین عنبرفام مدهامتان وجه انسان» (همان: ۴۲ الف). «هزاران حور سیه‌چشم تاج مرصع کج بر یک طرف سر نهاده تواند دید» (همان: ۴۵ ب).

۱۲. ترجمه تحت‌اللفظی آیات قرآن: اولین ترجمه‌های قرآنی و مذهبی مربوط به دوره نثر سامانی است که از نمونه‌های این ترجمه‌ها میتوان به ترجمه تفسیر طبری اشاره کرد. به اعتقاد بهار و شمیسا یکی از ویژگیهای این ترجمه‌ها تأثیر در طراز اسلوب فارسی بوده است (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۳۳). ترجمه‌های استوانامه اغلب تحت‌اللفظی و با کلمات ساده فارسی و عربی است: «گفت خدا بیرون رو از آن. به درستی که تو از این رانده شده و به درستی بر تو لعنت حق است تا روز قیامت» (استوانامه: ص ۶۴ ب). لازم به ذکر است که بدلیل حجم محدود بخشهایی از کتاب که قابل بررسی سبک‌شناسانه در سطح زبانی بود، برای برخی از عنوانها بیشتر از یک مثال یافته نشد.

نتیجه‌گیری

کتاب «استوانامه» اثر غیاث‌الدین محمد استرآبادی که در قرن نهم نگاشته شد، از آثار اعتقادی دوره تیموری است که بدلیل ماهیت مذهبی فاقد جنبه ادبی است. این اثر از دو جهت در حروفیه‌پژوهی اهمیت دارد: یکی بیان موثق وقایعی در آغاز شکلگیری این فرقه و دیگر، گزارش انحرافات فکری پیروان فضل‌الله نعیمی در مدتی کوتاه پس از مرگ وی در مناطق مختلفی از ایران و عراق. از استوانامه چهار نسخه خطی موجود است که سه نسخه در ایران و یک نسخه در استانبول نگهداری میشود. این کتاب به نثر مرسل قرن نهم نوشته شده که بسیاری از ویژگیهای نثر دوران تیموری را دربردارد. مهمترین ویژگیهای زبانی این اثر که در شمار نثر بینابین است از این قرار است: اشباع حرکات، ابدال، کاهش حروف، کمیاب بودن واژه‌های مغولی و ترکی، وفور واژه‌های عربی و استرآبادی، کاربرد رمزه‌های ویژه حروفی، کاربرد بعضی اسامی، افعال و حروف در معانی خاص، عدم توجه به قواعد دستوری زبان و عطف متوالی و بدون ضرورت جملات. نثر این کتاب به سه دسته تقسیم میشود: ویژگیهای زبانی کهن با بسامد کمتر؛ ویژگیهای زبانی جدید که طلیعه تحول زبان و تغییر سبک بشمار میرود؛ ویژگیهای سبک خاص (سبک شخصی نویسنده) که در سایر آثار این دوره دیده نمیشود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام استخراج شده است. آقای دکتر علی گراوند راهنمای این پایان‌نامه و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند و ۷۰ درصد از پژوهش را برعهده داشتند. سرکار خانم شهلا سنگ سفیدی به عنوان پژوهشگر این رساله ۱۵ درصد در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر علیرضا شوهانی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را تا ۱۵ درصد ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

از جناب آقای علیرضا دولتشاهی بخاطر معرفی نسخه‌های خطی کتاب استوانامه و هدایت نویسنده به تصحیح این اثر ارزشمند تشکر می‌کنم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Azhand, Y. (1991). Hurufism in history, Tehran: Ney, p. 6.
- Bahar, M. (1991). Stylistics or the history of Persian prose, Tehran, Amirkabir, Volume 1, pp. 208-378-438, Volume 2, pp. 58-186, Volume 3, pp. 179-180-202-209 -237-240-242.
- Dolatshahi, A. (2000). Copywriting of Hurufis in Malek National Library, *Baharestan Letter*, 1 (2), pp. 83-90.
- Dolatshahi, A. (2009). Worship of Hurufis, *Maaref*, No. 68, pp. 25-32.
- Drayati, M. (2011). Indexes of Iranian Manuscripts, Tehran: Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran, p. 368.
- Farhvashi, B. (2002). Persian to Pahlavi Culture, Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran, p.206.
- Fotouhi, M. (2011). Stylistics of theories, approaches and methods, Tehran: Sokhan, pp. 34-38-226-244-246.
- Gopinarli, A. (1996). List of Hurufis texts, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, p. 56.
- History of Persian Language, Natel Khanlari, Parviz, (2003), Tehran, Farhang-e Nashr-e No, Volume 3, pp. 211-447.

- Izz al-Din Mahmoud bin Ali. (2015). *Mesbah al-Hedayeh and Muftah al-Kifaya*, Kashani, edited by Mohammad Iqbal, Tehran, Sokhan, p. 43.
- Khatibi, H. (2003). *The art of prose in Persian literature*, Tehran: Mumtaz, pp. 202-456.
- Kia, S. (1952). *Gorgani Dictionary*, Tehran: University of Tehran, p.39.
- Mahjoub, M. *Khorasani style in Persian poetry*, Bita, Tehran: Ferdows, pp. 23-36-197-243
- Manzavi, A. (1971). *List of Persian Manuscripts*, Tehran: Regional Cultural Institute, p. 1026.
- Naimi Astarabadi, F. (2020). *Generalities of Poems*, edited by Dr. Mohammad Darzi, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Publications in collaboration with Sokhan Publications, p. 68.
- stovanameh, manuscript number 4001 Tehran Malek Library.
- Ramezani, A. (2014). *Mankind from the perspective of Seyyed Emaduddin*, *Islamic Mysticism Quarterly* 10 (37), pp. 143-119.
- Ravandi, M. (2007). *Raha al-Sadr and the verse of Al-Sarwar in the history of Al-Seljuq*, Edited by Mohammad Iqbal, Tehran, p. 43.
- Safa, Z. (1995). *History of Iranian Literature*, Tehran: Ferdows, Volume 4, pp. 467-150.
- Shamisa, S. (1975). *Generalities of Stylistics*, Tehran: Ferdows, pp. 153-155-200-213-221-306.
- Shamisa, S. (2010). *Stylistics of prose*, Tehran: Mitra, pp. 34-38-226-244-246.
- Slovar, F. (2012), *Letters from the beginning until now*, translated by Davar Dofai, Tehran: Molly, p. 56.
- Zakavati Qaragazloo, A. (1997). *Hurufism Preface of Naghtavieh*, *Maaref*, 4 (1), pp. 61-66.

فهرست منابع

- استوانامه، نسخه خطی به شماره ۴۰۰۱ تهران: کتابخانه ملک.
- انسان از دیدگاه سیدعمالدین نسیمی، رضائی، علی، (۱۳۹۲)، *فصلنامه تخصصی عرفان اسلامی*، (۳۷) ۱۰، صص ۱۱۹-۱۴۳.
- تاریخ ادبیات ایران، صفاء ذبیح‌اله، (۱۳۷۳)، جلد چهارم، تهران: فردوس.
- تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۸۲)، جلد ۳، تهران: فرهنگ نشر نو.
- حروفیه از ابتدا تا کنون، اسلوار، فاتح، (۱۳۹۱)، ترجمه داوود وفايي، تهران: مولی.
- حروفیه در تاریخ، آژند، یعقوب، (۱۳۶۹)، تهران: نی.
- حروفیه پیش‌درآمد نقطویه، ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، (۱۳۷۵)، معاد، (۱) ۱۴، صص ۶۱-۶۶.
- راحة الصدور و آية السرور در تاريخ آل سلجوق، راوندی، محمدبن علی، (۱۳۸۶)، تصحیح محمد اقبال، تهران، اساطیر.

- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۹)، تهران: میترا.
- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، تهران: سخن.
- سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، محمدتقی، (۱۳۷۰)، تهران: امیرکبیر.
- عبادت حروف، دولتشاهی، علیرضا، (۱۳۸۸)، معاد، شماره ۶۸، صص ۲۵-۳۲.
- فرهنگ فارسی به پهلوی، فره‌وشی، بهرام، (۱۳۸۱)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فن نثر در ادب فارسی، خطیبی، حسن، (۱۳۸۲)، تهران: ممتاز.
- فهرست متون حروفیه، گولپینارلی، عبدالباقی، (۱۳۷۴)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، درایتی، مصطفی، (۱۳۹۰)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، احمد، (۱۳۴۹)، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- کلیات اشعار، نعیمی استرآبادی، فضل‌الله، (۱۳۹۸)، تصحیح محمد درزی، تهران: موقوفات محمود افشار با همکاری سخن.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۳)، تهران: فردوس.
- مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، کاشانی، عزالدین محمودبن علی، (۱۳۹۴)، مصحح محمد اقبال، تهران: سخن.
- نسخه‌شناسی آثار حروفیان در کتابخانه ملی ملک، دولتشاهی، علیرضا، (۱۳۷۹)، نامه بهارستان، (۲)، ۱، صص ۸۳-۹۰.
- واژه‌نامه گرگانی، کیا، صادق، (۱۳۳۰)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

معرفی نویسندگان

- شهلا سنگ سفیدی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(Email: shahla1399sangsefidi@gmail.com)
- علی گراوند: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(Email: a.garavand@ilam.ac.ir: نویسنده مسئول)
- علیرضا شوهانی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(Email: ar.shohani80@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

- Shahla Sangsefidi:** PhD student in Persian language and literature, Ilam University, Ilam, Iran.
(Email: shahla1399sangsefidi@gmail.com)
- Ali Garavand:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran.
(Email: a.garavand@ilam.ac.ir : Responsible author)
- Alireza Shohani:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran.
(Email: ar.shohani80@gmail.com)